

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی و تحلیل شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرهای فارسی و عربی

۱- دکتر سمیرا شفیعی، ۲- امین‌اله شگری

۱- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

Email: shafiee.mjs@gmail.com
Email: amin.shokri@yahoo.com

چکیده

رساله‌الطیرها متونی روایی و عرفانی بوده و از منظر روایت‌پژوهی قابل بررسی هستند. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به دنبال بررسی این مسئله هستیم که نوع تعلیمی این آثار چه نقشی در شخصیت‌پردازی آنها دارد؟ نتایج حاکی است استفاده حداکثری از شخصیت‌پردازی خود و نیز شگرد شخصیت‌پردازی مستقیم در این متون، به مخاطب کمک می‌کند بخشی از ابعاد شخصیتی کنشگران را بدون ابهام دریابد و مانع تلاش فکری مخاطب برای بررسی ابهامات شخصیتی کنشگران می‌شود؛ بنابراین مخاطب از پرداختن به ابعاد روایی متون مبرا بوده و تنها به فحوای کلام تعلیمی راویان توجه می‌کند.

کلمات کلیدی: رساله‌الطیرها، روایت، شخصیت‌پردازی.

۱. مقدمه

شخصیت‌پردازی^۱ به جهت تکمیل درونمایه متن، عامل ایجاد بحران در روایت، کمک به صحنه‌پردازی و فضاسازی، و تحت‌تأثیر قراردادن عناصر دیگر داستان، از اهمیت بالایی در بررسی‌های روایت‌شناسانه برخوردار است. در حوزه عرفان، یکی از موضوعاتی که مورد توجه عرفای قرون چهارم تا هفتم هجری بوده، بیان سلوک معنوی به وسیله داستان سفر مرغان به سوی سیمرغ است. رساله‌الطیرها از زبان طیران به تلاش روح انسان برای بازگشت به موطن اصلی، در قالب یک داستان با تمامی عناصر روایی حکایت دارند؛ بنابراین، حضور عناصر روایی در این متون، زمینه بررسی روایت‌شناسانه آنها را فراهم می‌کند.

در بررسی شخصیت‌پردازی رساله‌الطیرها، سؤالاتی که از اهمیت بیشتری برخوردار است عبارتند از: ۱. وجه تعلیمی رساله‌الطیرها به عنوان متونی عرفانی، چه تأثیری در شخصیت‌پردازی این آثار دارد؟ ۲. بیشترین نوع شخصیت‌پردازی در این آثار، مربوط به شخصیت‌پردازی مستقیم است یا غیرمستقیم؟ به عقیده نگارندگان، تعلیمی بودن رساله‌الطیرها تأثیر مستقیمی بر نوع

^۱ Character development

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت‌پردازی این آثار داشته است. پدیدآورندگان این آثار سعی می‌کنند در حوزه روایت‌شناسانه متون، از ابهام و پیچیدگی خودداری کنند و بیشتر به سوی شخصیت‌پردازی مستقیم روی آورند.

در بررسی نگارندگان برای یافتن رساله‌الطیرها، به نمونه‌هایی دست یافتیم که از بین تمامی آنها، بنا به مؤلفه‌هایی چون نوشتاری بودن، به زبان فارسی و عربی بودن، دسترسی به آثار، تألیف و ترجمه بودن، تمثیل رمزی بودن زبان، محتوای عرفانی و نماد روح بودن پرنده و تلاش برای بازگشت به عالم علوی، تنها رساله‌الطیر و قصیده عینیّه ابن سینا، رساله‌الطیر محمد و احمد غزالی، عقل سرخ سهروردی، منطق‌الطیر عطار، کشف‌الأسرار مقدسی، رساله‌های چاچی و عین‌القضات را به عنوان نمونه در نظر گرفتیم.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی پیشینه تحقیق در زمینه مورد بحث این پژوهش، در حوزه شخصیت‌پردازی، فعالیت‌های نظری و عملی فراوانی به صورت مقاله، پایان‌نامه، کتاب و رساله دکتری صورت گرفته است؛ اما در حوزه بررسی شخصیت‌پردازی در متونی که به رساله‌الطیر یا منطق‌الطیر موسوم هستند، تنها یک اثر آن هم در قالب پایان‌نامه یافت شد:

باقری، ربابه. ۱۳۹۰، شخصیت‌پردازی در منطق‌الطیر و الهی‌نامه عطار، دانشگاه تربیت معلم سبزواری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. این اثر در پنج فصل (کلیات و تعاریف؛ شخصیت‌پردازی در منطق‌الطیر؛ شخصیت‌پردازی در الهی‌نامه؛ مقایسه شخصیت‌پردازی در منطق‌الطیر و الهی‌نامه؛ نتیجه‌گیری) به بررسی انواع شخصیت در منطق‌الطیر و الهی‌نامه عطار پرداخته است. نتیجه این اثر از این قرار است: عطار در به کارگیری عنصر شخصیت در حکایت‌های منطق‌الطیر و الهی‌نامه تا حدودی به شیوه قصه‌ها و رمانس‌های قدیم عمل می‌کند؛ از قبیل کلی‌گرایی، ایستایی، نمونه‌های نوعی و تپ بودن شخصیت‌ها، و عدم تناسب بیان آن‌ها با جایگاه اجتماعی‌شان. این اثر با وجود اینکه در خصوص منطق‌الطیر که یکی از نمونه‌های این مقاله است کار شده، اما جامعیت این تحقیق را ندارد؛ از طرفی، به دنبال ارائه یک الگو در خصوص دسته‌ای از متون عرفانی بر نیامده است؛ از این رو، تحقیق پیش رو، بدعت و نوآوری داشته و تا به امروز از سوی هیچ پژوهشگری به این موضوع پرداخته نشده است.

۳. روش پژوهش

روش کار این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری نوشته شده است.

۴. چارچوب نظری

خلق و ایجاد شخصیت‌ها با خصوصیات اخلاقی، روحی، اندیشه و احساسات ایشان در متون روایی، شخصیت‌پردازی نامیده می‌شود. بلکن برگ^۱ ویژگی مهم روایت را نیل به اندیشه و احساسات شخصیت‌ها می‌داند [۹].

ارسطو برای اولین بار مبحث شخصیت را در بیان مباحث تراژدی به کار گرفت. به عقیده وی، شخصیت یکی از اجزای تراژدی است که وظیفه اجرای نمایش را بر عهده دارد [۱۳]. بعد از ارسطو در بررسی داستان‌ها، چه از نظر شکل و چه محتوا، شخصیت همواره مورد توجه بوده است. البته باید گفت که تا ظهور رمان آنچه به عنوان شخصیت مدنظر بوده است، بیشتر تپ بوده که بعدها در حدود سده ۱۷ م. با ظهور رمان و گسترش ادبیات داستانی در زمینه‌های مختلف، شخصیت هم جنبه‌های گوناگونی به خود گرفت [۲۴].

^۱ Belkan Berg

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت‌پردازی اصل و اساس داستان‌پردازی است و کاربردهای زیادی برای آن قابل تصور است؛ از جمله: ۱. عناصر دیگر داستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ۲. درونمایه را تکمیل می‌کند؛ ۳. عاملی برای به وجود آمدن بحران در داستان‌ها محسوب می‌شود و ۴. هنگام توصیف مکان و زمان‌های خاص به صحنه‌پردازی و فضا‌سازی کمک می‌کند. اهمیت شخصیت‌پردازی در داستان‌ها به حدی است که اگر داستان‌نویس روی پردازش شخصیت‌ها کار نکند، پیرنگ^۱ داستان در همان ابتدا شکست خواهد خورد.

اصولاً شخصیت به دو روش به خواننده معرفی می‌شود: توصیف مستقیم و توصیف غیرمستقیم (این دو شیوه را می‌توان علاوه بر مستقیم و غیرمستقیم، گزارشی و نمایشی نیز نامید): ۱. شخصیت‌پردازی مستقیم از ویژگی‌های زیر برخوردار است: ۱. راوی دانای کل^۲ و از همه چیز، حتی افکار و منش شخصیت‌ها باخبر است [۲]؛ ۲. در این نوع، بیشتر از شیوه گزارشی _ توصیفی استفاده می‌شود [۲۳]؛ ۳. این نوع شخصیت‌پردازی، به دلیل قضاوت زود هنگام راوی در باب شخصیت‌های داستان، ذهن خواننده را به تنبلی وا می‌دارد و ۴. این شیوه بیشتر در تیپ‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. توصیف ممکن است به یکی از سه شکل زیر به کار رود: توصیف به وسیله بیان کنش‌ها، توصیف یا توضیح مستقیم و توصیف به یاری گفتگو. یونسی در مورد این سه روش توصیفی معتقد است: «نویسنده در روش توصیف به وسیله کنش^۳، اشخاص داستان را به جنبش درمی‌آورد و به یاری اعمال و رفتارشان، خواننده را با خصوصیاتشان آشنا می‌کند. در این روش، توصیف یا توضیح مستقیم نویسنده از زبان خود یا از زبان یکی از اشخاص داستان، خصوصیات اشخاص داستان را به خواننده می‌گوید. نویسنده در شیوه توصیف به یاری گفتگو، اشخاص داستان را به حرف درمی‌آورد و کاری می‌کند که خود با بیان و گفتار خویش، خواننده را در جریان خصوصیات خود بگذارند» [۲۳]. ۲. شخصیت‌پردازی غیرمستقیم دارای ویژگی‌های زیر است: ۱. راوی همه چیز را بر عهده خواننده می‌گذارد تا خواننده با قضاوت اعمال و افکار شخصیت‌ها، به خصلت‌های ایشان پی ببرد [۲]؛ ۲. شیوه مورد استفاده در این روش، نمایشی است. در این روش، خواننده تقریباً از محیط خود جدا می‌شود و به وسیله همسان‌پنداری در دنیای داستان سیر می‌کند. در شخصیت‌پردازی نمایشی، نویسنده فقط شخصیت را به عمل و صحبت وا می‌دارد و به خواننده اجازه می‌دهد و البته به او کمک می‌کند که خود با مطالعه اعمال و گفتار شخصیت‌ها به کلیت ساختار اندیشه، باور و به عبارتی، جهان‌بینی آنها پی ببرد [۲۳]؛ ۳. این نوع، به کمک ابزارهای متعددی انجام می‌گیرد؛ مانند گفتگو^۴، عمل^۵، صحنه‌پردازی^۶، نام^۷، لحن^۸ و شیوه گفتار. نویسندگان جدید، روز به روز از شیوه‌های مستقیم دور می‌شوند و با استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم، خواننده را با اشخاص داستان آشنا می‌کنند؛ بر این اساس، برخی معتقدند وظیفه نویسنده این است که اجازه دهد اشخاص داستان، خود سخنگوی خویش باشند و حرکات خود را به خواننده ارائه کنند. به دلیل اهمیت بسیار شخصیت‌پردازی، قدرت بالای آن در استحکام‌بخشی به داستان و ایجاد جذابیت و به کارگیری قوه تحلیل و تخیل مخاطب در آفرینش شخصیت‌ها، برخی تمام زیبایی یک اثر داستانی را در گرو شخصیت‌پردازی آن می‌دانند و معتقدند، یک داستان تنها وقتی موفق خواهد بود که شخصیت‌هایش نمایش داده شوند [۶].

^۱ plot

^۲ omniscient

^۳ action

^۴ Dialogue

^۵ Action

^۶ Setting

^۷ Name

^۸ Tone

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در ادامه، به معرفی ابزارهای شخصیت‌پردازی غیرمستقیم خواهیم پرداخت: الف. گفتگو: گفتگو، یکی از ابزارهای شخصیت‌پردازی نمایشی است. در هر گفتگو، مخاطب به صورت مستقیم با گفتار دو طرف مواجه می‌شود و از طریق آن به کنه شخصیت آن‌ها پی می‌برد؛ از این روست که بیشتر داستان‌نویسان در تلاشند اشخاص داستان را به حرف آورند و کاری کنند که خود با بیان و گفتارشان، خواننده را در جریان خصوصیات خود بگذارند. اهمیت گفتار شخصیت، چنان بالاست که گاه به داستان‌نویس توصیه می‌شود، همان‌طور که رفتار هر شخصیت را متناسب با خصوصیات روحی، فکری و اخلاقی او انتخاب و توصیف می‌کنند، حرف زدن او را هم کاملاً متناسب با شخصیت، پندار و وضعیت روحی _ روانی‌اش انتخاب کند [۲۱]. در مجموع می‌توان گفت، گفتگو ابزاری مهم در شخصیت‌پردازی نمایشی است. شخصیت در داستان بدون گفتگو معنی ندارد، مگر اینکه تنها باشد که در آن صورت هم نیاز به گفتگوی درونی و تفکر (گفتگوی درونی) دارد. یکی از دلایل استفاده از عنصر گفتگو این است که نویسندگان بهتر می‌توانند دیدگاه‌های خود را با قدرت بیشتری به نمایش بگذارند؛ در حالی که در روایت توصیفی _ توضیحی، آن‌ها تنها می‌توانند نگرش‌هایی را در چارچوب فردی بیان نمایند؛ بنابراین گفتگو یکی از قدرتمندترین و ظریف‌ترین ابزارهای نویسندگی نویسندگان است [۵]. نویسندگان با به کارگیری گفتگوی میان اشخاص داستانی، روابط اشخاص را شروع می‌کنند، تعمیق می‌بخشند، تصدیق می‌کنند، تداوم می‌دهند یا تمام می‌کنند. کم کردن عنصر گفتگو در داستان‌ها، به معنای حذف قسمت‌های اصلی و معنای کلی داستان است.

ب. کنش یا توصیف عمل: دانتِه می‌گوید: «نیت نخستین کسی که عمل می‌کند، در هر کاری که باشد، آشکار ساختن تصویر خویش است» [۱۸]؛ با توجه به همین کارکرد کنش در تشخیص و تمایز آدم‌هاست که بیشتر نویسندگان می‌کوشند، شخصیت‌پردازی از طریق عمل شخصیت‌ها را به دقت در داستان یا رمان‌شان انجام دهند. آن‌ها به این منظور او را در موقعیت‌های مختلف و کنش یا واکنش او را در معرض دید و داوری مخاطب قرار می‌دهند. عمل شخصیت در هر یک از این موقعیت‌ها، جنبه‌ای از جنبه‌های وجودی او را برای خواننده برملا می‌کند و این، خود کم‌کم به شناخت بیشتر خواننده نسبت به شخصیت کمک می‌کند. هنگامی که شخصیت در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد و براساس آن موقعیت عملی را انجام می‌دهد، اگر آن عمل، حساب شده انتخاب شود و با جزئیات بیان شود، خواننده، شخصیت را بسیار بهتر از زمانی می‌شناسد که نویسنده از طریق توصیفات خود، وی را بشناساند؛ در واقع در این روش، خواننده از طریق اعمالی که شخصیت‌ها انجام می‌دهند به افکار و عقاید و طرز تفکر و شخصیت آن‌ها پی می‌برد. آنچه شخصیت‌ها را می‌سازد، اعمال‌شان است [۱]. شخصیت‌پردازی از طریق توصیف رفتارها، به خواننده امکان قضاوت در باب اعمال مثبت و منفی شخصیت را می‌دهد؛ بنابراین این روش، ذهنیت مخاطب را به تلاش و واکاوی و داشته و از تنبلی او جلوگیری می‌کند.

ج. انتخاب نام: انتخاب نام، برای شخصیت داستانی، کارکردهای مختلفی دارد. «نقش اصلی نام هر شخصیت، این است که نشان بدهد شخصیت مورد نظر را باید فردی خاص تلقی کرد و نه یک سنخ، این برزندگی نام نباید چنان باشد که به نقش اصلی آن خللی وارد آید» [۱۹]. هر نامی می‌تواند تداعی‌های بسیار داشته باشد، حتی می‌تواند روایتگر موقعیت قومی _ ملی شخص باشد. هنگامی که نویسنده برای یک شخصیت، نام انتخاب می‌کند، باری قومی _ ملی و حتی نژادی را بر دوش او می‌گذارد. نام، انواع احتمالات شخصیتی را فراهم می‌کند و نویسنده را به تأمل دربارهٔ پرورش شخصیت فرا می‌خواند [۳]. در بسیاری از آثار، نویسندگان نام‌ها را با دقت و نیتی مشخص انتخاب می‌کنند. پروست^۱ _ که خود معتقد بود که اسم خاص دارای جادوست [۱۷] _ در رمان در جستجوی زمان از دست رفته به خصوص به تداعی و بار عاطفی و رابطه نام‌ها با مضمون داستان بسیار توجه کرده است. استفاده از

^۱ Marcel Proust

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تداعی معانی به نویسنده امکان می‌دهد که با یک کلمه، چندین نکته و مفهوم خاص را به طور همزمان به خواننده القا کند؛ از این رو، می‌توان گفت در نام‌گذاری شخصیت‌ها هرچه نویسندگان از راه‌های پیچیده‌تر و مخفی‌تری وارد شوند، اثر آن عمیق‌تر خواهد بود و غیرمستقیم‌ترین راه، استفاده از هیمین روش تداعی معانی است [۱۷].

د. توصیف صحنه: گاه نویسنده به جای توصیف احساسات و حالات درونی شخصیت، فضای اطراف او را شرح می‌دهد و بار عاطفی کلامش را از این طریق آسان‌تر و قوی‌تر به مخاطب منتقل می‌کند. در این موارد، نویسنده به جای اینکه حالات درونی شخصیت را مستقیم و گزارشی بیان کند، فضای اطراف او را توصیف می‌کند. این توصیف به درک بهتر خواننده از حالات درونی شخصیت‌ها کمک می‌کند. این شیوه، محیط، زمان، مکان و چگونگی وضعیتی را که افراد در آن قرار می‌گیرند، شامل می‌شود [۲۳].

ه. انتخاب شیوه گفتار: شکل یا شیوه گفتار نیز ابزار متعارف شخصیت‌پردازی در متن محسوب می‌شود. شیوه و طرز گفتار می‌تواند اصالت، مکان زندگی، طبقه اجتماعی یا حرفه شخصیت را برملا کند [۱۲]. مراد از شیوه گفتار، لحن در داستان نیست؛ چرا که لحن، یعنی نحوه القای حرف‌های نگفته، از طریق زبان. لحن به مخاطب کمک می‌کند که با توجه به کل متن به معنایی متفاوت از ظاهر جملات پی ببرد، به معنایی که در ظاهر نمی‌آید؛ ولی با توجه به شناخت او از کل متن و شناخت شخصیت‌ها به آن معانی پی می‌برد. به کمک لحن، مخاطب درمی‌یابد که جملاتی که نوشته شده، جدی است یا طنزآمیز، همراه با تمسخر است یا تفاخر؛ درحالی‌که ممکن است ظاهر آن جملات در نگاه اول نشان‌دهنده این ویژگی نباشد. برای دریافتن لحن یک قطعه، باید به سرنخ‌هایی که در الگوی جملات و انتخاب کلمات هست، توجه کرد و ضمناً کل متن زمینه داستانی را خواند و در نظر داشت [۴]؛ حال آنکه شیوه گفتار در پاره‌های کوچک متن نیز تأثیر خود را آشکار می‌کند؛ برای شناخت شیوه گفتار شخصیت و تحلیل تأثیر آن بر شخصیت‌پردازی نیاز نیست کل اثر را در نظر بگیریم.

۵. تحلیل شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرها

در ادامه به بررسی و تحلیل شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرهای فارسی و عربی خواهیم پرداخت:

۱-۵- شخصیت‌پرداز و شخصیت پرداخته شده

در بررسی انواع شخصیت‌پردازی رساله‌الطیرها و شیوه آن، ابتدا به این امر می‌پردازیم که شخصیت‌پرداز و شخصیت پرداخته شده در این روایات کیست تا بتوانیم با دورنمایی از این دو کنشگر، به مبحث اصلی خود که شیوه‌های شخصیت‌پردازی است، بپردازیم؛ به طور کلی، شخصیت‌پرداز و شخصیت پرداخته شده در رساله‌الطیرها از شش حالت بیرون نیست:

۱-۱-۵- شخصیت‌پردازی راوی از شخصیت

در این حالت، راوی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به پرداخت شخصیت کنشگر ماجرا می‌پردازد. این شیوه در تمامی رساله‌ها نمود داشته است (با ۳۲/۰۳ کاربرد). در این روش، راوی اختیار عمل ماجرا، شیوه پرداخت و ساخت شخصیت را بر عهده دارد و خمیرمایه شخصیت ماجرا در دستان وی است. یکی از مزیت‌هایی که چنین شیوه‌ای در داستان‌ها و روایات تعلیمی دارد این است که راوی حتی شخصیت را نیز مطابق میل، سلیقه و خواست خویش و در راستای هدف ارشادی خود تدارک می‌بیند و می‌پرورد. این شیوه هم در رساله‌هایی که از زبان اول شخص هستند، نمود دارد و هم در رساله‌هایی که از زبان سوم شخص بیان می‌شوند.

۲-۱-۵- شخصیت‌پردازی شخصیت از شخصیتی دیگر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت‌پردازی یک شخصیت از شخصیت / شخصیت‌های دیگر در رساله‌هایی چون رساله‌الطیر ابن سینا [۱۱]، رساله‌های احمد و محمد غزالی [۷]، عقل سرخ سهروردی [۱۵]، منطق‌الطیر عطار [۱۶] و کشف‌الأسرار مقدسی [۲۰] نمود داشته است (با ۳۰/۴۲ کاربرد). این نوع از شخصیت‌پردازی ضمن گفتگوی شخصیت‌ها ظهور کرده و حامل دیدگاه ذهنی شخصیت‌ها نسبت به یکدیگر است. گرچه این شیوه از شخصیت‌پردازی به نسبت شیوه اول، حاکی از تمامی زوایای شخصیتی کنشگر در متن نیست؛ اما می‌تواند در مقام تقابل شخصیت‌ها به تصور ذهنی ایشان نسبت به یکدیگر اشاره داشته و روایت‌شنو را با جنبه‌های گوناگون شخصیت کنشگران و دیدگاه ایشان نسبت به یکدیگر آشنا نماید و باعث شکل‌دهی و بسط پیرنگ نیز شود.

۳-۱-۵- شخصیت‌پردازی شخصیت از خود

گاه در رساله‌الطیرها شخصیت، خود را شخصیت‌پردازی می‌کند؛ به عبارتی صفات، خلقیات یا ویژگی‌هایی را به خود نسبت می‌دهد یا عمل خویش را ارزیابی می‌کند. در این حالت، منویات و ذهنیات کنشگر آشکار می‌شود و روایت‌شنو قادر است نسبت به شخصیت مربوطه، دیدگاه بهتر و کامل‌تری داشته باشد. در این شیوه، شخصیت به کمک راوی می‌آید و با گفتگو یا انجام اعمالی، به بیان نکات اخلاقی _ عرفانی می‌پردازد. این شیوه در رساله احمد غزالی [۷]، رساله‌الطیر ابن سینا [۱۱]، عقل سرخ [۱۵]، منطق‌الطیر [۱۶] و کشف‌الأسرار [۲۰] دیده می‌شود (با ۳۳/۳۳ کاربرد). این روش پربسامدترین نوع شخصیت‌پردازی را شامل می‌شود؛ دلیل روایان چنین داستان‌هایی برای استفاده حداکثری از این شیوه، این است که به شخصیت فضا بدهند تا خود را در حوزه عملکرد و ذهنیات بهتر به نمایش بگذارد؛ به طبع، زمانی که شخصیتی خود را با عمل، گفتار، ذهنیات و ... به نمایش می‌گذارد، میزان اثرپذیری روایت‌شنو/ مخاطب از روایت بالاتر می‌رود؛ زیرا اطمینان حاصل می‌کند که شخصیت در گفتار خویش صادق است و خود را آن‌طور که باید (چه بسا دقیق‌تر از راوی) معرفی می‌کند.

۴-۱-۵- شخصیت‌پردازی راوی از خود

این شیوه که تنها در منطق‌الطیر [۱۶] (با بسامد ۱) کاربرد داشته است، زمانی است که راوی، به شخصیت‌پردازی خویش می‌پردازد. در منطق‌الطیر، این روش در انتهای کتاب زمانی که عطار به طلب استرحام از خداوند می‌پردازد، نمود یافته است. این روش، در متن اصلی روایت و نیز در حکایات به چشم نمی‌خورد.

۵-۱-۵- شخصیت‌پردازی شخصیت از راوی

این شیوه زمانی کاربرد دارد که راوی یکی از شخصیت‌های ماجراست و روایت از زبان اول شخص بیان می‌شود. شخصیت‌های دیگر، راوی را مورد خطاب قرار داده و دیدگاه وی را در باب خویش اصلاح می‌کنند. این روش در کشف‌الأسرار [۲۰] کاربرد دارد (با بسامد ۱۱)؛ زیرا در این اثر، راوی شخصیتی است که آغازگر روایت است، در طی متن، باعث پیشروی پیرنگ ماجرا می‌شود، با شخصیت‌ها تکلم می‌کند و به نتیجه‌گیری از سخنان شخصیت‌های درون باغ می‌پردازد. شخصیت‌پردازی شخصیت‌ها از راوی در این اثر از زبان پرستو، بوم، طاووس، خفاش، زنبورعسل، زاغ، هاتف، سگ، زبان حال هدهد، شتر، اسب و یوز بیان شده است.

۶-۱-۵- شخصیت‌پردازی شخصیت / راوی از روایت‌شنوی برون‌داستانی

گاه سخن راوی به گونه‌ای است که گویی خطاب خویش را نه به شخصیتی در درون داستان که به روایت‌شنوی برون‌داستانی اطلاق کرده است. این روش که از لحن و شیوه گفتار راوی بر می‌آید با یک بسامد، تنها در منطق‌الطیر [۱۶] کاربرد داشته است. این یک

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مورد، نشانه‌ای است مبنی بر اینکه راوی علاوه بر وجود روایت‌شنوهای درون داستانی در جایگاه شخصیت یا راوی، روایت‌شنوی برون داستانی (واقعی عام یا خاص) برای روایت خویش تدارک دیده و قطعاً روایتش بدون مخاطب نیست.

۱. شخصیت پرداز و شخصیت پرداخته شده در رساله الطیرها

درصد	بسامد	نمونه	شخصیت پرداخته شده	شخصیت پرداز
۳۲/۰۳	۹۹	قصیده عینیّه و رساله الطیر ابن سینا/ رساله‌های احمد و محمد غزالی/ داستان مرغان چاچی و عین القضاّت/ عقل سرخ/ منطق الطیر (روایت اصلی و حکایات)/ کشف الأسرار	شخصیت	راوی
۳۰/۴۲	۹۴	رساله الطیر ابن سینا/ رساله‌های احمد و محمد غزالی/ عقل سرخ/ منطق الطیر (روایت اصلی و حکایات)/ کشف الأسرار	شخصیتی دیگر	شخصیت
۳۳/۳۳	۱۰۳	رساله الطیر احمد غزالی/ رساله الطیر ابن سینا/ عقل سرخ/ منطق الطیر (روایت اصلی و حکایات)/ کشف الأسرار	خود	شخصیت
۰/۳۲	۱	منطق الطیر (روایت اصلی)	خود	راوی
۳/۵۵	۱۱	کشف الأسرار	راوی	شخصیت
۰/۳۲	۱	منطق الطیر	روایت‌شنوی برون داستانی	شخصیت/ راوی
۳۰۹				مجموع

۲-۵- تکنیک‌های شخصیت‌پردازی

راویان رساله الطیرها از تکنیک‌هایی برای شخصیت‌پردازی استفاده کرده‌اند. این تکنیک‌ها به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم باعث پرورش و ساخت کنشگران شده و به راوی در جهت شناساندن شخصیت‌ها و رساندن مقصود کمک کرده است. در ادامه، به بررسی نمونه‌های هر یک از تکنیک‌ها در این متون خواهیم پرداخت:

۱-۲-۵- روش مستقیم

در این شیوه، نویسنده، خود به توصیف ویژگی‌های شخصیتی کنشگر می‌پردازد. این شیوه از شخصیت‌پردازی در رساله الطیرها به گونه‌های زیر نمود یافته است:

۱-۱-۲-۵- توصیف ویژگی‌های ظاهری کنشگران

توصیف چهره و ویژگی‌های اندام، به دلیل بازتاب پاره‌ای ویژگی‌های روحی در چهره، بخشی از شخصیت‌پردازی بوده و نمایان‌گر خلیقات شخصیت نیز می‌تواند باشد. این نوع از شخصیت‌پردازی در رساله‌های احمد و محمد غزالی [۷]، عقل سرخ [۱۵]، منطق الطیر [۱۶] (روایت اصلی و حکایات) و کشف الأسرار [۲۰] قابل مشاهده است.

ابن سینا در رساله الطیر خویش، حضرت ملک را نوری می‌داند که هیچ زستی با او نمی‌آمیزد، هیچ نقص پیرامون وی راه نمی‌یابد و ... [۱۱]. احمد و محمد غزالی، طیران را دارای انواع، طبایع و الوان مختلف می‌دانند [۷]. در عقل سرخ، توصیفی که اولین فرزند آفرینش از محاسن سپید و نورانی خود و ماجرای زادن زال ارائه می‌دهد، حاکی از بیان ویژگی‌های ظاهری افراد برای پروردن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت روحی ایشان است [۱۵]. در *منطق الطیر*، روایت مرد زردوست از صورت خویش که به شکل موشی نمایان شده است، بیان ویژگی‌های ظاهری سیمرغ از زبان هدهد، بیان ویژگی‌های هدهد از سوی راوی مبنی بر حله‌ای از طریقت پوشیدن و افسری از حقیقت بر سر داشتن، بیان راوی از طوق وفا در گردن فاخته، تنگ‌چشمی تنگ‌باز، بیان ویژگی‌های ظاهری پادشاه صاحب‌جمال، دختر ترسا، دختر پادشاه، غلام پادشاه، فرزند پادشاه و گدا، پسر وزیر، پادشاه، یوسف، مشتی سنگ، عاشق و معشوق، برنایی محمدنام، لقمان سرخسی (از خود) همگی اشاره به ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها دارد [۱۶]. در *کشف‌الأسرار* روایت راوی از ظاهر شقایق، کبوتر، بوم، طاووس، طوطی، زاغ، سگ و روایت باز از هزارستان و خفاش از راوی از جمله نمونه‌های این دست شخصیت‌پردازی است [۲۰]. ابن‌سینا برای بیان قداست حضرت ملک، غزالی‌ها برای نمایش دادن تفاوت و ناهمگونی طیران، سهروردی برای بیان مباحث فلسفی _ اساطیری، عطار بیشتر برای بیان عشق و غنا، و مقدسی در مقام تحقیر شخصیت‌ها و تداعی ایشان در [اشارات به ویژگی‌های ظاهری کنشگران اشاره می‌کنند؛ به عبارتی، در رساله ابن‌سینا، راوی برای بیان ویژگی حضرت ملک و تبرئه خویش از جنونی که یارانش به وی نسبت می‌دهند، از ویژگی‌های ظاهری حضرت صحبت می‌کند تا نشان دهد چنین تجربه‌ای در عالم واقع برای وی اتفاق افتاده است [۱۱]؛ در رساله‌های احمد و محمد غزالی، برای بیان کلیت طیران و انجام عملی همگانی از ویژگی‌های ظاهری ایشان شمه‌ای آمده است [۷]، در *عقل سرخ*، برای بیان علت نورانیت اولین فرزند آفرینش و ماجرای اسطوره‌ای زادن زال، راوی به بیان ویژگی ظاهری اشخاص پرداخته است [۱۵]. در روایت اصلی *منطق الطیر*، عطار چندان پایبند توصیف ظاهر کنشگر نمی‌شود؛ زیرا شخصیت‌های این روایت بیشتر تیپ هستند و نمود و رمزی از ویژگی‌های اخلاقی آدمیان؛ اما در حکایات، هر جا سخن از عشق و غنا است، توصیف ویژگی‌های ظاهری، یکی از برترین روش‌ها برای شخصیت‌پردازی محسوب می‌شود. عطار در این شیوه، به سنت ادبی در منظومه‌های عاشقانه پایبند بوده و با این شیوه، اولاً چهره کنشگر را در نظر خواننده مجسم می‌کند و ثانیاً این توصیف، می‌تواند توجیه‌کننده عکس‌العمل فردی باشد که در ماجرا شیفته کنشگر توصیف شده باشد [۱۶]، در *کشف‌الأسرار* مقدسی نیز زمانی که دیالکتیک و جدلی بین شخصیت و راوی پیش می‌آید و یا راوی می‌خواهد اشاره‌ای جدید را تداعی و بیان نماید، به بیان ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها می‌پردازد [۲۰].

۲-۱-۲-۵- توصیف به وسیله کنش شخصیت‌ها

در این شیوه، شخصیت‌ها به حرکت در می‌آیند و به یاری اعمالشان، خواننده با ویژگی‌های ایشان آشنا می‌شود. در *رساله الطیر* ابن‌سینا، حضرت ملک زمانی که عقل‌های طیران را به ایشان می‌دهد، با صفت «لطف» وصف می‌شود. در همین رساله، زمانی که طیران درد و رنج خویش بر والی ولایت کوه هشتم عرضه می‌کنند، والی رنجور می‌شود و وانمود می‌کند با ایشان همدرد است [۱۱]. در *عقل سرخ*، خداوند با صفاتی در تحمیدیه وصف می‌شود؛ مانند تسلط به تمامی موجودات که حاکی از توانمندی و بزرگی وی است. در بیان چگونگی رفتن باز به سرزمین ظلمات، راوی ویژگی‌هایی چون پای در پای‌افزار طلب‌کردن و در بادیه توکل راه پیمودن را به خضر نسبت می‌دهد که نشان از صفات و خصالی در خضر دارد [۱۵].

در *منطق الطیر* نیز کنش‌هایی توصیف می‌شود که نشان از ویژگی‌هایی در شخصیت‌ها دارد؛ برای نمونه، راوی / عطار، شیخ صنعان را عابد و زاهدی می‌داند که پنجاه سال عبادت کرده است و مریدان فراوانی دارد؛ این امر نشان از راهبری شیخ و برتری‌اش بر دیگران دارد. زمانی که سلطان محمود از بیماری ایاز ناراحت است، نامه‌ای را به همراه خادمی به سویس گسیل می‌کند و به خادم هشدار می‌دهد که در رساندن نامه تأخیر نکند؛ این نامه و تأکید بر عدم تأخیر در رساندن آن به خادم، نشان از علاقه محمود به ایاز دارد. راوی در حکایتی عنوان می‌کند که اسکندر زمانی که می‌خواست رسولی به جایی بفرستد، خویش به عنوان رسول می‌رفت و کار را به انجام می‌رساند؛ این امر نشان از توجه اسکندر به پیغام‌گذاری صحیح و رسیدگی درست به امورات کشور دارد. پادشاهی زیباروی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برای دیده شدن از سوی ناظران و منتظرانش، آینه‌ای تعبیه می‌کند تا همگان از زیبایی وی نصیبی برند. غلامی عشق پادشاه را به خود با عملی که پادشاه در گذاشتن سیب بر سر وی و زدن آن با تیر انجام می‌دهد، وصف می‌کند. راوی/ عطار در بخشی از ماجرای *منطق‌الطیر*، ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ص) را با اعمالی که در راه دین اسلام و ترویج آن انجام داده‌اند، وصف می‌کند. بلال زمانی که شکنجه می‌شد، چیزی جز احد نمی‌گفت و این نشان از صفت یکتاپرستی وی دارد. حضرت علی (ع) پیشنهاد می‌دهد شربت را که برای درمانش آورده‌اند، ابتدا به قاتلش بخوراند و این امر نشان از همه‌گیر بودن شفقت وی دارد. در حکایتی، زن عیار بر دلخسته رحمت می‌آورد و همین امر باعث می‌شود که عیار از خون دلخسته بگذرد و حق نان نگه دارد. در قسمتی از ماجرا، راوی به وصف ملکت حضرت سلیمان و عکس‌العمل وی در برابر جلال و جبروتش می‌پردازد. سلطان محمود در ماجرایش با پیرخارکش، کریم توصیف می‌شود، غلام خواجه زنگی به واسطه کنش‌اش، با صفت چست توصیف می‌شود. مردی از عرب که به عجم پیوسته و در قمار دارایی‌اش را از دست می‌دهد، با صفت «جلف» و مردمان عجم که وی را بدین کار ترغیب کرده‌اند، با صفت «سنگ» وصف می‌گردند. پاسبان به واسطه شغلی که دارد، با صفت عاشق وصف می‌شود. حکیمی که نقشه‌ای ترسیم کرده و سپس آن را از بین می‌برد، با صفت بی‌خرد نشان‌دار می‌شود. در ماجرای پادشاهی دادن محمود به ایاز، حسن، ایاز را غلامی خطاب می‌کند که بی‌حرمت است. در ماجرای افتادن معشوق در آب و احتمال غرق شدن وی، معشوق عاشق را که وی را نجات می‌دهد، بی‌خبر توصیف کرده است. حبیب اعجمی طرفه‌العینی نگاهی به خونی می‌اندازد و به واسطه همان یک نگاه لطف‌آمیز، خونی عزت می‌یابد؛ بدین طریق، خونی حبیب را «پیر راه» می‌داند. راوی مردی را که از پیامبر (ص) خواست تا در مصلائی نماز گزارد، پرنیاز قلمداد می‌کند. صوفی در ماجرای فردی را که در آن جهان عزت دارد، خونی و دائماً در سرنگونی می‌داند. راوی مردی را که سر در غم و اندوه خویش فرو برده و با محمود دیدار می‌کند، بی‌دل دیوانه خطاب می‌کند. خفاش از نظر تیزچشم، مغرور مست قلمداد می‌شود [۱۶].

در *کشف‌الأسرار* زمانی که راوی در ابتدای ماجرا، ویژگی‌های شخص عارف را بیان می‌کند، زمانی که هاتف غیبی به معرفی هدهد و سگ، به وصف راوی می‌پردازد، از این نوع شخصیت‌پردازی استفاده شده است [۲۰].

۳-۱-۲-۵- توصیف به وسیله گفتگوی کنشگران

در این روش، راوی شخصیت را به وسیله گفتگو می‌شناساند؛ به عبارتی، کاری می‌کند که کنشگر با گفتار خود خواننده را در جریان ویژگی‌هایش قرار دهد.

در *رساله‌الطیر* ابن‌سینا، ضمن گفتگوی والی ولایت کوه هشتم و طیران، عزت و جلال حضرت ملک وصف می‌شود. طیران آزاد در این ماجرا، ناتوان وصف می‌شوند؛ زیرا حتی از برداشتن باقیمانده بندهایی که بر پای دارند، عاجزند [۱۱].

در *رساله‌الطیر* محمد غزالی، ضمن سؤال و جوابی که بین بارگاه سیمرغ و طیران روی می‌دهد، بارگاه با عنوان شهدای راه سیمرغ ایشان را وصف می‌کند [۷].

در *رساله‌الطیر* احمد غزالی، ضمن سؤال و پاسخ بارگاه و طیران، به نیاز طیران و بی‌نیازی بارگاه و بیان شایستگی بارگاه برای پادشاهی طیران پرداخته می‌شود [۷].

در ماجرای *داستان مرغان عین‌القضات*، طی گفتگوی میان سیمرغ و طیران به صفت بی‌نیازی سیمرغ اشاره می‌شود و همین امر مانع از پذیرش طیران از سوی بارگاه می‌شود [۲۲].

در *عقل سرخ*، در انتهای سخنان باز، دوست وی ضمن گفتگو، باز را در بند و خود را آماده اسیرشدن به دست وی وصف می‌کند [۱۵].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در منطق/الطیر، شیخ صنعان با گفتگوی درونی خویش، صفات و ویژگی‌هایی را به خود نسبت می‌دهد که حاکی از مراد و راهبر بودن وی است. سلطان محمود در پاسخ به سؤال رسول در باب چگونگی حضور سلطان در نزد ایاز، به وصف رابطه خویش با ایاز می‌پردازد. راوی در گفتگوی استرحامی از خداوند تقاضاهایی دارد و خود را با صفاتی وصف می‌کند. زمانی که پاک‌رایی، محمود را به خواب می‌بیند، محمود در گفتگو با وی خود را با صفاتی توصیف می‌کند. خداوند با موسی در باب مردی که خداوند را بارها خواند و موسی اجابت نکرد، به صورت یک‌طرفه صحبت می‌کند و صفاتی را به موسی و خود نسبت می‌دهد. مردم در گفتگوی با احمد حنبل بر دانایی وی صحه گذاشته و از رفتن وی نزد بشر حافی که احمد حنبل وی را خدانشناس معرفی می‌کند، تعجب می‌کنند. هاتف غیبی در ماجرای غازی و کافر، در گفتگوی که با غازی دارد، اعمال هر دو ایشان را سنجیده و شخصیت آن دو را وصف می‌کند. طاس، در گفتگو با برادران یوسف، یوسف را برترین فرزندان یعقوب و موصوف به زیبایی می‌داند. خداوند در ماجرای آفرینش حضرت آدم، با ابلیس سخن می‌گوید و ضمن این گفتگو، خصال او را به ابلیس نسبت می‌دهد. معشوقی، عاشق خویش را در خواب می‌بیند و با گفتگو، از غفلت وی در باب خویش سخن گفته و خصال او را به وی نسبت می‌دهد. حسن با ایاز با عتاب سخن می‌گوید و صفاتی را به وی نسبت می‌دهد و در ادامه، ایاز نیز با حسن سخن گفته و وصفی دل‌انگیز از رابطه خود و محمود بیان می‌کند. لقمان سرخسی در گفتگوی مناجات‌گونه با خداوند، خویش را پیر و گم‌کرده راه می‌داند [۱۶].

در کشف/الأسرار این نوع از توصیف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ این امر از وجه دیالکتیک این متن حاکی است. هر عنصری از عناصر طبیعت در ضمن گفتگو، به بیان ویژگی‌های خویش می‌پردازد و سعی دارد در خصلت/ خصال خود را بر دیگری رجحان دهد؛ مانند: نسیم، ورد، مورد، درخت بان، نرگس، نیلوفر، بنفشه، شب‌بو، یاسمین، ریحان، اقحوان، خیری‌دستی، شقایق، ابر، هزاردستان، باز، کبوتر، پرستو، بوم، طاووس، خفاش، خروس، بط، زنبورعسل، شمع، آتش، زاغ، هدهد، سگ، شتر، اسب، یوز، کرم ابریشم، عنکبوت و مورچه [۲۰].

۴-۱-۲-۵- توصیف ویژگی‌های اخلاقی کنشگران

گاه راوی/ شخصیت‌ها صرفاً به بیان ویژگی‌های اخلاقی یا خصال درونی کنشگران اشاره و آنها را با صفات یا ویژگی‌های بخصوصی که ممکن است مثبت باشد یا منفی، وصف می‌کنند.

در منطق/الطیر، یوسف همدان از سوی راوی با صفاتی چون دارای «سینه پاک و دل آگاه» وصف می‌شود. از نظر راوی/ عطار، روایت‌شنوی متن وی، انسانی «سلیم» است. شیخی خرقه‌پوش «نامدار»، عاشق دختر سگبان می‌شود؛ بدون اینکه نامی از این شیخ بیاید، تنها به صفت وی اشاره می‌شود. صوفی دیگر، شیخ عاشق بر دختر سگبان را «هیچ‌کس» نامیده و شیخ عاشق نیز صوفی را با صفت «غافل» معرفی می‌کند. عاشقی که معشوق خویش را در خواب می‌بیند، وی را «غافل» قلمداد می‌کند. حسن زمانی که از نیت ایاز آگاه می‌شود، وی را با صفت «حق‌شناس» مورد خطاب قرار می‌دهد. وزیر پادشاه با صفت عالی با ترکیب «عالی وزیر» معرفی می‌شود. پادشاهی که عاشق پسر وزیر شده است، وی را با دو صفت «گدا» و «سگ» خطاب می‌کند. قایم بوسعید میهنه، وی را «پاک‌جان» می‌داند. راوی/ عطار، ابوبکر را «صدیق»، عمر را «فاروق»، عثمان را «پرحیا» و علی (ص) را «بحر جود» می‌داند. هدهد و چاووش عزت در قسمت‌هایی متفاوت از منطق/الطیر، طیران را «بی‌حاصلان» خطاب می‌کنند. زمانی که از سوی شاگرد از اوستاد در باب حضرت آدم سؤال می‌شود، اوستاد، آدم را با صفت «عالی‌گوهر» معرفی می‌کند. خداوند نیز پیامبر (ص) را در ماجرای شفاعت پیامبر (ص) بندگان را، «عالی‌گهر» خطاب می‌کند. ابن ملجم (قاتل علی-ع-) با صفت «خونریز» شناخته می‌شود. برای حذیفه صفت «صاحب‌نظر» می‌آید. حضرت آدم «خلیفه»، «پادشاه» و «بحر جود» و ابلیس، «ملعون راه» است. مرید شیخ صنعان که پیامبر (ص) را در خواب می‌بیند، از سوی پیامبر (ص) با صفت «ای به همت بس بلند» مورد خطاب قرار می‌گیرد. بایزید از نظر راوی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«ماهتابی بود بس عالم فروز»، سلطان مسعود، «صاحب دولت» است، پیر خارکش از نظر لشکر محمود، «ابله» است. نمرود از نظر راوی، «سرگشته» است. از نظر جبرئیل، بنده‌ای که خدا را می‌خواند، «عالی‌بنده» است. بوالحسین دیوانه که محمود را پند می‌دهد، از نظر راوی «فرزانه» است. رابعه از دید شیخ بصره «صاحب واقعه» و عارف بلندقدر و شیخ بصره از دید رابعه، «شیخ زمان» است [۱۶]. در کشف‌الأسرار، راوی از سوی کنشگران و عناصر ماجرا با صفاتی چون کنیف‌الطبع، ثقیل‌السمع، الصدیق‌الصادق، عانی، جانی علیّ جانی، الفقی‌الصابر، الرابع فی السلوک و سامع منطق‌الطیر وصف می‌شود. از سویی، گاه راوی شخصیت‌ها را با صفاتی وصف می‌کند؛ مانند خطاب به خفّاش با صفت ضعیف و خطاب به زنبور عسل با صفت روح‌روحي؛ و گاه شخصیتی، شخصیت دیگری را با صفتی مورد خطاب قرار می‌دهد؛ مانند خطاب شمع به آتش با صفت المعذب [۲۰].

۲-۲-۵- روش غیر مستقیم

در این شیوه، راوی مستقیماً به توصیف شخصیت نمی‌پردازد؛ بلکه شخصیت را در حین عمل به نمایش می‌گذارد. در این شیوه، دخالت راوی در شناساندن شخصیت‌ها به حداقل خود رسیده است تا کنشگر خود با گفتار و اعمالش، شخصیت خویش را پردازش کند. در رساله‌الطیرها این روش به چهار صورت به نمایش در می‌آید:

۱-۲-۲-۵- نمایش دادن به وسیله خلق گفتگو

به عقیده پورنامداریان، یکی از شگردهای امروزی برای شخصیت‌پردازی «از طریق برقراری گفتگوهای کوتاه یا مفصل میان شخصیت‌های داستان و نیز توصیف احوال روانی آنها به مقتضیات مقام و موقعیت و احوالی که با آن درگیرند» می‌باشد [۸]. در منطق‌الطیر، گفتگو جایگاه ویژه‌ای در شخصیت‌پردازی کنشگران دارد. زمانی که طیران به بیان عذر و بهانه خویش برای سر باز زدن از رفتن به سوی سیمرغ می‌پردازند، گفتگویی بین مرغان و هدهد در می‌گیرد. این گفتگو، درون هر طیر را بی‌پرده آشکار می‌کند. در گفتگوی بین هدهد و طیران، صفات و ویژگی‌هایی نیز به سیمرغ نسبت داده می‌شود. در گفتگوی دختر ترسا و شیخ صنعان، ویژگی‌هایی برای هر دو ایشان بروز می‌کند. در گفتگویی که بین خواجه و دیولنه در باب بیدار کردن خواجه برای نماز درمی‌گیرد، دیوانه سخنانی می‌گوید که از آن می‌توان خصلی را در باب خواجه و امثال وی استنباط کرد. در ماجرای خوردن میوه تلخ از سوی غلام، ویژگی‌ای در ضمن گفتگو به غلام نسبت داده می‌شود. در گفتگوی بین مفلس و محمود، عشق مفلس به ایاز هویداتر می‌شود [۱۶].

در عقل سرخ، در قسمتی از گفتگوی باز و اولین فرزند آفرینش، جایگاه والای باز برای وی مکشوف می‌شود؛ این جایگاه از ارزش باز حاکی است [۱۵].

در استفساریه رساله چاچی گفته می‌شود که اگر خویش را از پیش برداری، آسان توان رسیدن؛ بنابراین طیرانی که به بارگاه نرسیدند، نتوانستند خویشتن‌بینی را از پیش روی خویش بردارند؛ پس نابود شدند [۱۰].

در کشف‌الأسرار، راوی گاه در مقام تقابل میان دو کنشگر، به شخصیت‌پردازی روی می‌آورد؛ برای نمونه، شخصیت‌پردازی بوم و طاووس، طوطی و طاووس، کرم ابریشم و عنکبوت. گاه عناصر با یکدیگر گفتگو می‌کنند و صفاتی از ایشان آشکار می‌شود؛ مانند: بط و خروس، شمع و زنبور عسل، شمع و پروانه، هدهد و سلیمان، طیران با بارگاه عنقا، راوی و خروس [۲۰].

۲-۲-۲-۵- نمایش دادن به وسیله توصیف کنش

در رساله‌های احمد و محمد غزالی [۷]، عطار [۱۶]، چاچی [۱۰]، کشف‌الأسرار [۲۰] و عین‌القضات [۲۲]، زمانی که طیران (همگی یا اکثریت) نمی‌توانند به بارگاه برسند و در راه نابود می‌شوند، راوی ناتوانی طیران را در عمل به تصویر کشیده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در عقل سرخ، زمانی که اولین فرزند آفرینش به بیان دلیل سیاهی رنگ محاسن خویش می‌پردازد، به کنش و واکنش‌هایی در بیان اسارت خویش اشاره می‌کند که همگی نشان از ناتوانی اولین فرزند آفرینش در از بین بردن سیاهی خود است. در همین متن، راوی در بیان چگونگی پرورش زال، به صورت تلویحی به شفقت سیمرغ و آهو به زال اشاره کرده است [۱۵].

در منطق‌الطیر، حلاج در زمان بر دار شدن جز انالاحق نگفت و این نشان از اعتقاد راسخ وی در باب توحید دارد. نومریدی زرهایی را به دور از دید شیخ خود در لباسش پنهان کرده و این حاکی از زردوستی وی است. گدایی حق شناس، به دنبال گویی که ایاز پرتاب کرده است، می‌دود و این امر را نشانی از عشق می‌داند. خفاش شب‌ها بیدار است و این عمل وی، نشانی از حق‌طلبی‌اش در دل شب‌های سیاه دارد [۱۶].

۳-۲-۵- نمایش دادن به وسیله انتخاب صفت به جای اسم کنشگر

در منطق‌الطیر، گاه به جای آوردن نام کنشگر، از صفت وی استفاده می‌شود و این امر به جهت تیب‌سازی از اهمیت برخوردار است؛ مانند زمانی که عطار از کلماتی چون راه‌بین، سرگشتگان، ضعیف، دانای دین، شاه دین، جوانمردی، صاحب‌کمال، صاحب‌جمال، مردی عزیز و ... به جای اسم شخصیت استفاده می‌کند [۱۶].

۴-۲-۵- نمایش دادن به وسیله توصیف صحنه

در رساله‌الطیر ابن‌سینا، راوی با وصف بارگاه ملک به بزرگی و عظمت وی اشاره می‌کند [۱۱]. در قصیده عینیّه، ابن‌سینا با کاربرد کلماتی چون جایگاه رفیع به والایی کیوتری اشاره دارد که هیوط کرده است [۱۴]. در رساله احمد غزالی، راوی با کاربرد عبارت «حضرت کبریا» به بزرگی مقام سیمرغ اشاره می‌کند [۷]. زمانی که سهروردی از جایگاه والایی باز از زبان اولین فرزند آفرینش سخن می‌گوید، از طریق توصیف صحنه، به بزرگی و والایی این دو شخصیت اشاره می‌کند [۱۵]. در منطق‌الطیر، جایگاه سیمرغ از زبان هدهد وصف می‌شود، این وصف حاکی از بزرگی و عظمت سیمرغ است [۱۶].

۲. تکنیک‌های شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرها

رساله‌الطیر ابن‌سینا، رساله‌های احمد و محمد غزالی، عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	توصیف ویژگی‌های ظاهری کنشگران	مستقیم	تکنیک‌های شخصیت‌پردازی
رساله‌الطیر ابن‌سینا، عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	توصیف به وسیله کنش شخصیت‌ها		
رساله‌الطیر ابن‌سینا، رساله‌های احمد و محمد غزالی، داستان مرغان عین‌القضات، عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	توصیف به وسیله گفتگوی کنشگران		
منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	توصیف ویژگی‌های اخلاقی کنشگران		
داستان مرغان چاچی، عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	نمایش دادن به وسیله خلق گفتگو	غیرمستقیم	
رساله غزالی‌ها، داستان مرغان چاچی و عین‌القضات، عقل سرخ، منطق‌الطیر، کشف‌الأسرار	نمایش دادن به وسیله توصیف کنش		

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

منطق الطیر	نمایش دادن به وسیله انتخاب نام		
رساله الطیر ابن سینا، قصیده عینیّه ابن سینا، رساله الطیر احمد غزالی، عقل سرخ، منطق الطیر	نمایش دادن به وسیله توصیف صحنه		

۳-۵- طبقه‌بندی شخصیت‌ها

شخصیت‌هایی که در رساله‌الطیرها کاربرد داشته‌اند، از جهت چگونگی کاربرد به چند دسته قابل تقسیم هستند:

۱-۳-۵- کنشگران فاعلی

این دسته، شخصیت‌هایی هستند که عملی از ایشان سر زده و رو به سوی هدفی در کنش به سر می‌برند؛ مانند طیران، صیادان، والی ولایت کوه‌هشتم، و رسول در رساله‌الطیر ابن سینا؛ کبوتر در قصیده عینیّه ابن سینا؛ طیران و بارگاه عنقا در رساله‌های احمد و محمد غزالی؛ طیران در داستان مرغان چاچی و عین‌القضات؛ باز و موکلان در عقل سرخ؛ طیران و بارگاه عنقا در کشف‌الأسرار؛ و مرغان جهان و سیمرغ در منطق‌الطیر.

۲-۳-۵- فاعلان بالقوه

این نوع از شخصیت، کنشگری است که شخصیت‌های فاعلی در پی رسیدن به وی و منافعی هستند که از این وصال برای ایشان حاصل می‌شود؛ اما هرگز به وصال دست نمی‌یابند؛ مانند شخصیت سیمرغ در داستان مرغان چاچی و عین‌القضات همدانی.

۳-۳-۵- کنشگران گفتگومحور

شخصیت‌هایی که حضور خود و پاره‌ای شخصیت‌ها را که عموماً اساطیری هستند، با گفتگو به اثبات می‌رسانند و کنشی جز گفتگو انجام نمی‌دهند؛ مانند ابن سینا و دوستانش در رساله‌الطیر ابن سینا؛ اولین فرزند آفرینش و دوست باز در عقل سرخ؛ منادی در رساله‌های احمد و محمد غزالی؛ راوی، زبان حال راوی، نسیم، ورد، مورد، درخت بان، نرجس، نیلوفر، بنفشه، شب‌بو، یاسمین، ریحان، اقحوان، خزامی، شقایق، سحاب، هزاردستان، باز، حمامه، خطاف، بوم، طاووس، طوطی، خفاش، خروس، مرغابی، زنبورعسل، شمع، پروانه، آتش، زاغ، هدهد، سگ، شتر، اسب، یوز، کرم ابریشم، عنکبوت، مورچه و عنقا در کشف‌الأسرار مقدسی؛ و بلبل، طوطی، بط، هما، بوتیمار، کوف، صعوه، دیگری (با بسامد ۱۹)، سایل، چاووش عزت و عطار در منطق‌الطیر.

۴-۳-۵- کنشگران مذهبی، اسطوره‌ای و عرفانی در ضمن کلام شخصیت‌های گفتگومحور

این دسته، کنشگرانی اسطوره‌ای، مذهبی و عرفانی هستند که ضمن کلام شخصیت‌های گفتگومحور بروز می‌یابند و نقش فاعلی ندارند؛ مانند: خضر، سام، زال، سیمرغ، مادر زال، رستم، اسفندیار، استادان اول تا هفتم فلک در عقل سرخ؛ سلیمان در گفتار هدهد در کشف‌الأسرار؛ و سلیمان در گفتار هدهد، موسی، موسیجه، فرعون، طوطی، خلیل‌الله، نمرود، کبک، صالح، تنگ‌باز، درّاج، عیسی، عندلیب، داوود، طاووس، تذر، یوسف، قمری، ذوالنون، فاخته، باز، مرغ زرین و ذوالقرنین در کلام راوی، خضر در کلام طوطی، یعقوب، ابلیس در کلام سایل، رابعه، فرعون، نمرود، شداد، حق‌تعالی، زنان مصر، ابراهیم، کلیم‌الله، عیسی، محمد، آدم، روح‌القدس و هامان در کلام هدهد/ راوی در منطق‌الطیر.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۶. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای برای بررسی انواع شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرهای فارسی و عربی انجام شد حاکی است: شخصیت‌پردازها به راوی و شخصیت و شخصیت‌های پرداخته شده به شخصیت، راوی و روایت‌شنوی برون‌داستانی قابل تقسیم است. در این بین، بیشترین کاربرد مربوط به شخصیت‌پردازی شخصیتی از خود است (۳۳/۳۳ درصد). این روش برای متون تعلیمی مناسب است؛ زیرا به مخاطب کمک می‌کند بخشی از ابعاد شخصیتی کنشگر را به وضوح و آشکار مشاهده نماید. در این شیوه، شخصیت، منویات درونی خود را به بهترین شکل به نمایش می‌گذارد و مانع از تلاش فکری مخاطب برای تحلیل و بررسی ابهامات شخصیتی کنشگر می‌شود؛ بنابراین، مخاطب از پرداختن به حواشی و دوری از مبحث اصلی (تعلیم) برکنار می‌ماند و بیشتر به فحوای کلام توجه می‌کند تا به آرایش‌های صوری کلام راوی در جهت بیان درونیات و ویژگی‌های شخصیتی کنشگر. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که تمامی این انواع از شخصیت‌پرداز و شخصیت‌پرداخته شده (بجز شخصیت‌پردازی شخصیت از راوی) در *منطق‌الطیر* عطار به وضوح قابل مشاهده است؛ این امر از تبخّر عطار در ساخت و پرداخت شخصیت‌ها و استفاده از ایشان برای هدف اصلی‌اش که همانا تعلیم است، حکایت دارد.

تکنیک‌های شخصیت‌پردازی در رساله‌الطیرها به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم کاربرد داشته است. تکنیک شخصیت‌پردازی مستقیم به صورت توصیف ویژگی‌های ظاهری کنشگران، کنش شخصیت‌ها، ویژگی‌های اخلاقی کنشگران و گفتگوی کنشگران؛ و تکنیک شخصیت‌پردازی غیرمستقیم به صورت نمایش دادن به وسیله خلق گفتگو، توصیف کنش، انتخاب صفت به جای اسم کنشگر و توصیف صحنه نمود داشته است. در این بین در *منطق‌الطیر*، تمامی این تکنیک‌ها کاربرد داشته است و این از قدرت عطار در داستان‌پردازی حکایت می‌کند. باقی رساله‌ها هم بسته به ویژگی‌های روایت از تکنیک‌ها استفاده کرده‌اند؛ توصیف ویژگی‌های ظاهری کنشگران در *رساله‌الطیر* ابن‌سینا، رساله‌های غزالی‌ها، *عقل سرخ*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*؛ توصیف به وسیله کنش شخصیت‌ها در *رساله‌الطیر* ابن‌سینا، *عقل سرخ*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*؛ توصیف به وسیله گفتگوی کنشگران در *رساله‌الطیر* ابن‌سینا، رساله‌های غزالی‌ها، *داستان مرغان* *عین‌القضات*، *عقل سرخ*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*؛ توصیف ویژگی‌های اخلاقی کنشگران در *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*؛ نمایش دادن به وسیله توصیف کنش در رساله غزالی‌ها، *داستان مرغان* چاچی و *عقل سرخ*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*؛ نمایش دادن به وسیله انتخاب نام در *منطق‌الطیر* و در نهایت، نمایش دادن به وسیله توصیف صحنه در *رساله‌الطیر* ابن‌سینا، *قصیده عینیّه*، *رساله‌الطیر* احمدغزالی، *عقل سرخ* و *منطق‌الطیر* مورد استفاده قرار گرفته است.

شخصیت‌های رساله‌الطیرها بسته به چگونگی کارکردشان به کنشگران فاعلی (تمامی رساله‌ها)، فاعلان بالقوه (داستان *مرغان* چاچی و *عین‌القضات*)، کنشگران گفتگومحور (*رساله‌الطیر* ابن‌سینا، *عقل سرخ*، رساله‌های غزالی‌ها، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*) و کنشگران مذهبی، اسطوره‌ای و عرفانی در ضمن کلام شخصیت‌های گفتگومحور (*عقل سرخ*، *منطق‌الطیر* و *کشف‌الأسرار*) تقسیم می‌شوند.

۷. مراجع

۱. آدم، ژان میشل، تحلیل انواع داستان، ترجمه آذین حسین‌زاده، قطره، تهران، ۱۳۸۳.
۲. اخوت، احمد، دستور زبان داستان، فردا، تهران، ۱۳۷۶.
۳. اسکات کارد، اورسون، شخصیت‌پردازی و زاویه دید در داستان، ترجمه پریسا خسروی سامانی، ریش، اهواز، ۱۳۸۷.
۴. اسکولز، رابرت، عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز، تهران، ۱۳۸۳.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵. بیشاب، لئونارد، درس‌هایی درباره داستان‌نویسی، ترجمه محسن سلیمانی، سوره مهر، تهران، ۱۳۷۸.
 ۶. پرین، لورانس، ادبیات داستانی ساختار، صدا و معنی، ترجمه حسن سلیمانی و فهیمه اسماعیل زاده، حافظ، تهران، ۱۳۸۱.
 ۷. پورجوادی، نصرالله، داستان مرغان (متن فارسی رساله الطیر خواجه احمد غزالی)، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران، تهران، ۱۳۳۵.
 ۸. پورنامداریان، تقی، در سایه آفتاب، سخن، تهران، ۱۳۸۰.
 ۹. تودوروف، تزوتان، بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، آگه، تهران، ۱۳۷۹.
 ۱۰. چاچی خمرکی، ابوالرجاء، روضه الفریقین، به اهتمام عبدالحی حبیبی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۸.
 ۱۱. خیاطیان، قدرت‌الله، سیری در رساله الطیرها و منطق الطیرهای فیلسوفان و عارفان، دانشگاه سمنان، سمنان، ۱۳۷۹.
 ۱۲. ریمون _ کنان، شلومیت، روایت داستانی، بوطیقای معاصر، ترجمه ابوالفضل حری، نیلوفر، تهران، ۱۳۸۷.
 ۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، ارسطو و فن شعر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
 ۱۴. سبزواری، ملاهادی، اسرارالحکم، به کوشش ح. م. فرزاد، مولی، تهران، ۱۳۶۱.
 ۱۵. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، قصه‌های شیخ اشراق، مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
 ۱۶. عطار، فریدالدین، منطق الطیر، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، تهران، ۱۳۸۸.
 ۱۷. عبداللهیان، حمید، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر، آن، تهران، ۱۳۸۱.
 ۱۸. کوندرا، میلان، هنر رمان، ترجمه پرویز همایون پور، گفتار، تهران، ۱۳۸۷.
 ۱۹. لاج، دیوید و دیگران، نظریه رمان، نظر، تهران، ۱۳۷۴.
 ۲۰. مقدسی، عزالدین بن عبدالسلام بن غانم المقدسی، کشف الاسرار فی حکم الطیور والازهار، دارالاعتصام، قاهره، ۶۷ هـ.
 ۲۱. موام، سامرست. درباره رمان و داستان کوتاه، ترجمه کاوه دهگان، سپهر، تهران، ۱۳۶۴.
 ۲۲. همدانی، عین‌القضات، نامه‌ها. علینقی منزوی و عقیف عسیران، ج ۱، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۲.
 ۲۳. یونسی، ابراهیم. هنر داستان‌نویسی، سهروردی، تهران، ۱۳۶۵.
۲۴. Cuddon, J. A. *A Dictionary of literary terms*, London: penguin books, ۱۹۹۹.